

آموزش و پرورش و اثرش بر نابهنجاریها

دکتر رضا مظلومان

استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران

۱- بیسوادی و رابطه با

نابهنجاریها

بعثت فقدان عامل نیرومندی که در بسواد وجود دارد ، معمولا در اعمالی که انجام میدهد فاقد کنترل لازم است و کمتر میتواند از رفتارهای ضد اجتماعی روی بگرداند و جلوی اعمال بزهکارانه سدی ایجاد نماید .

بهین جهت در بررسیهایی که بعمل آمده است ، همیشه مجرمان بیسواد نه تنها اکثریت قاطعی از بزهکاران را تشکیل میداده اند بلکه درصد عظیمی از آدمکشان و خشونت کنندگان را بوجود آورده اند .

در همین زمینه دکتر دوگریف Dr. de Greeff سینویسد که برحسب نتیجه ای که از مطالعات بونگر Bonger که جنایات و بیسوادی را در بسیاری از کشورهای اروپایی بموازات هم قرار داده بود ، برمیاید ، بیسوادی بعنوان یک عامل اساسی جرم بشمار آمده است زیرا اکثریت قابل ملاحظه ای از بزهکاران از بیسوادترین و فقیرترین مردمان بوده اند (۱) .
دوکسیو Ducpetiaux بابررسی زندانها و سازمانهای خدمات و نیکوکاری ، ضمن تحقیق در اطراف ارتباط میان فقر و بزهکاری ، میان

امروزه محققان در این امر قوی متفق دارند که بسواد آموزی و بالا رفتن سطح تحصیلات یکی از قویترین عوامل بازدارنده ایست که مانع افراد از ارتکاب جرم و آلوده شدن آنان باعمال ضد اجتماعی میشود .
زیرا فرد تحصیل کرده بسبب برخورداری از این نیروی توانا کمتر دست بجنایت میزند و بندرت گرفتار نابهنجاریها میگردد و چنانچه عوامل دیگری وجودش را آنچنان در زیر فشار قرار دهد که نیروی موجود قادر بمقاومت در برابر آنها نباشد ، باز چون آموزش دیده و پرورش یافته است کمتر مرتکب بیرحمی و سفاکی و خشونت میشود و کمتر جرائم وحشتناکی چون آدمکشی ، سوء قصدهای مختلف ، ضرب و جرح را بوجود میآورد ، بلکه حتی المقدور میکوشد تا از هرگونه تجاوز و تعرض خودداری ورزد ، درحالیکه فرد بیسواد

آمارگوناگون و فراوان دیگر نیز بطور اطمینان بخش و مقتنی اثبات کرده است که میزان بزهکاری با افزایش درجه آموزش و پرورش کاهش می‌یابد .
 آماری که اوتنژن Oettingen در سالهای ۱۸۲۷-۱۸۷۷ در فرانسه بدست آورد (۴) و

بیسوادی و جرم نیز رابطه‌ای مستقیم یافت و نادانی و بیسوادی را از عوامل مهم جرم محسوب نمود . (۲)
 دوکپسو بر اثر این مطالعه معتقد شد که اخلاق و امنیت یک ملت وابستگی کامل بقدرت اقتصادی افراد و درجه سواد و تعلیم و تربیت آنان دارد (۲) بهمین جهت لارکیه Larquier نیز مینویسد که تحقیقات بخوبی نشان میدهد که بزهکاران بیشتر از بیسودان بوده یا لااقل از تحصیلات بسیار کمی برخوردار داشته‌اند (۳) .



بررسی که ورنی استوارت verny stuart در سالهای ۱۹۱۰-۱۸۵۵ در هلند انجام داد (۵) بشیوت رساندند که درصد بیسوادان در میان سرتکیان جرم به مراتب بیشتر از درصد بیسوادان در کل جمعیت است. مطالعاتی که هویر Heuyer در مورد بزهکاران جوان بعمل آورد، بتناجیب ذیل رسید (۶).

درصد	درجه تحصیلات
۶/۲٪	بیسواد
۲۸/۳٪	سواد درحد معمولی
۶۵/۵٪	عقب ماندگی قابل توجه در تحصیل

از آمار دیگری که در اثر مطالعه صد گزارش از اطفال ناسازگار مرکز لوتا Lota واقع در استاریتز Ustaritz در باس پیرنه Basses--Pyrénées بوسیله یک گسروه تحقیق تحت نظر بلان Blanc پزشک بیمارستانهای بوردو بدست آمد، میتوان نتایج ذیل را استخراج کرد (۷):

۲/۳٪	علت ماندگی تحصیلی
۲/۵٪	ناراحتی روانی
۴٪	بیسواد
۷٪	نیمه بیسواد

تحقیق دیگر روی ۲۲۰۵ زندانی محکوم بمجازاتهای سنگین که توسط کولی Coly صورت گرفت، نتایج ذیل را بدست میدهد: (۸)

درصد	درجه تحصیلات
۱۳٪	بیسواد
۴۸٪	سواد بسیار ابتدائی

۳/۲٪	سواد ابتدائی درحد پیشرفته
۱/۴٪	سواد دبیرستانی
۱/۶٪	سواد عالی

بررسی ۲۰۰۵ بزهکار جوان در مرکز فرن Fresnes نیز نشان میدهد که تعداد بیسوادان در فرانسه تقریباً چهار برابر باسوادان بود. یعنی ۱۳٪ از مجرمان از نعمت سواد بهره‌ای نداشتند، درحالیکه برحسب سرشماری ۱۹۴۴ فرانسه ۳/۴٪ کل جمعیت بیسواد بوده است. (۹)

مطالعات ماک کورمیک Cormick درسال ۱۹۳۱ نشان میدهد که ۱۷٪ از بزهکاران قادر بخواندن حتی روزنامه یا نوشتن یک نامه نبوده‌اند و بربرسیهای سال ۱۹۵۱ اثبات میکند که ۱۰ تا ۳۰٪ از کلیه افراد زندانی، بیسواد بوده‌اند. (۱۰)

تحقیق درباره چهار هزار زندانی تکزاس نتایج ذیل را بدست داده است: (۱۱)

درصد	درجه تحصیلات
بیشتر از ۹۰٪	بدانشگاه نرفته‌اند
۸۹٪	دبیرستان را به پایان نرسانیده‌اند
۴۴٪	مدرسه را تمام نکرده‌اند
۵٪	در اولین سال باقی مانده‌اند.

مطالعه دیگری که روی وضع تحصیلی زندانیان ایالت نیوجرسی صورت گرفت، بنرتیب وضع تحصیلی زندانیان تکزاس عبارت بود از: ۹۹٪، ۹۱٪، ۴۱٪ و ۳/۶٪

کوارا کوس Kvaracus مینویسد که کلیه بزهاکاران زندان پاسیاک Passiac در نیوجرسی یکدفعه و حتی بیشتر در یک کلاس مردود شده و باقی مانده‌اند .

بررسی وضع تحصیلی زندانیان مرد (بیشتر از ۲۰ سال) و سطح آموزش کل جمعیت افراد (که بیش از ۲۰ سال داشته‌اند) در ۱۹۴۰ ، نتایج ذیل را بدست داد : (۱۲)

سطح تحصیلات	کل جمعیت زندانیان
اولین سال تحصیلی پایان نرسیده	۳/۹٪
هفتمین یا هشتمین سال تحصیلی	۲۹/۹٪
سال دوازدهم	۵/۶٪
تحصیلات دانشگاهی	۰/۴٪

در برابر صدهزار نفر جمعیت بالاتر از ۲۰ سال که دارای تحصیلات مشابه فوق بوده‌اند وضع تحصیلی زندانیان بطریق ذیل بوده است (۱۳) :

سطح تحصیلی	تعداد
بیسواد	۷۰۰ نفر
۷ یا ۸ کلاس	۳۰۰ نفر
دیپلمه	۷۰ نفر
تحصیلات دانشگاهی	۶۰ نفر

جدول فوق نشان میدهد که تعداد بیسوادان زندانی چهار برابر دیپلمه‌ها و دوازده برابر کسانی بوده است که تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند ، مطالعه مودسریل Moud Merrill اثبات میکند که پس از اینجسال

تحصیل ، ۷۰٪ از بزهاکاران و ۳۱٪ از غیر بزهاکاران مسورد بررسی از رفتن بمدرسه خودداری ورزیده‌اند (۱۴) .

بنابراین بدون شک پیشرفت آموزش و بالا رفتن سطح سواد در هر جامعه‌ای ، یکی از عوامل بسیار مؤثر بازدارنده افراد ازارتکاب جرم و مانع بزرگ عدم سازگاری آنان با اجتماع است .

بوزا و پیناتل Bouzat - Pinatel علی‌رغم

تأثیر بسزای این پدیده نیرومند ، معتقدند که توسعه آموزش در فرانسه باعث کاهش بزهاکاری نشده و در نتیجه خوش بینی برخی از دانشمندان مانند فری و ویکتور هوگو پیشرفت آموزش را با کاهش جرائم مرتبط میدانستند ، به تحقق نپیوسته است . (۱۵) .

این دو محقق برای اثبات نظر خود ، جدول ذیل را که شامل تعداد زندانیان و متهمان و میزان افراد بیسواد در میان آنانست ، ارائه میدهند (۱۶) :

بیسواد	تعداد	سهم و زندانی بزرگسال
۱۰۵/۹۰۰	۱۸۵۱	۲۷۴/۴۹۹
۹۰/۹۴۲	۱۸۶۱	۱۷۳/۹۷۱
۵۶/۱۱۶	۱۸۷۱	۱۶۶/۴۵۴
۴۰/۷۲۱	۱۸۸۱	۲۱۱/۸۹۶
۱۹/۵۴۷	۱۸۹۱	۲۳۵/۴۰۰
۱۳/۶۹۶	۱۹۰۱	۲۰۲/۵۵۲
۸/۳۹۹	۱۹۱۱	۲۴۰/۶۸۹
۶/۶۰۰	۱۹۲۱	۲۵۴/۱۱۸
۹/۷۱۹	۱۹۳۱	۲۵۵/۸۵۹

جرائم ، ترقی اجتماعات ، پدیده‌های نو و عوامل جدید جرم‌زای دیگری را عرضه میکند و نوع دیگری از جرائم را میآفریند و آنها را جایگزین جرائم گذشته مینماید .

بنابراین وظیفه اجتماع آنست که در عین حالی که با عوامل جرم‌زا مبارزه می‌پردازد ، از ایجاد برخی عوامل نو نیز ممانعت بعمل آورد و با پیش بینی‌های لازم به پیشگیری‌های ضروری دست بزند .

حال اگر اجتماعی به پیشرفت خود ادامه داد و در عین حال با عوامل جرم‌زای موجود به مبارزه نپرداخت ، پدیده‌های جدید برگزیده افزوده میشود و بکلی چهره اجتماع را بصورت نامطلوبی دگرگون و مسخ میکند ، بطوریکه در آن اجتماع هرگونه جرمی یافت خواهد شد و آلوده شدن باعمال بزهکارانه بصورت اسری عادی در خواهد آمد . دو محقق فوق فراموش میکنند که اگر فرانسه با بیسوادی مبارزه نمیکرد و سطح آموزشی را بالا نمیبرد و از تعداد بیسوادان نمی‌کاست بعد از هشتاد سال ، با افزوده شدن عوامل جدید جرم‌زا که ناشی از پیشرفت بیسوادان نمی‌کاست بعد پدیده‌های نوست ، رقم بزهکاری چند برابر رقم ذکر شده افزایش می‌یافت .

بنابراین اگر تعادلی برقرار شده است ، یعنی در عین حالی که از رقم جرائم کاسته نشده ، افزایش هم نیافته است ، علت بازهم گسترش آموزش بعنوان یک عامل بازدارنده قوی و از بین رفتن بیسوادی بعنوان یک عامل

این دو دانشمند نتیجه میگیرند که همانطور که جدول نشان میدهد ، در طی ۸۰ سال تغییراتی که در رقم مجرمان و متهمان در فرانسه حاصل شده ، بسیار ناچیز است درحالیکه تعداد بیسوادان تا ۹۰٪ کاهش پیدا کرده است . یعنی علیرغم پیشرفت آموزش از تعداد جرائم چیزی کاسته نشده است (۱۷) .

۲- آیا پیشرفت سواد در کاهش نابهنجاریها مؤثر نیست؟

انتقادی که بنظر بیتائل و بوزا واردست ، فراموش کردن توسعه اجتماعات و پیشرفتهای بسیار سریعی است که از هر جهت نصیب افراد و جوامع میشود و محققاً اجتماع فرانسه نیز در طی مدت ۸۰ سال دارای پیشرفتهای قابل توجهی بوده است که یکی از آنها کاهش سطح بیسوادی و افزایش تعداد آموزش دیدگان است .

غرض آنست که گرچه هراجماعی بسا پیشرفتی که نصیب خود میکند بدون شک با تعدادی از جرائم مبارزه می‌پردازد و آنها را کاهش میدهد و حتی نابود میکند ، زیرا عوامل بازدارنده بسیار مؤثری را در نزد افراد پدید میآورد که یکی از آن عوامل که از اسلحه‌های بسیار قوی بشمار میآید مبارزه با بیسوادی و ایجاد سواد و آموزش است ، ولی باید یادآوری کرد که بموازات ایجاد عوامل بازدارنده واز بین رفتن دسته‌ای از

نیرومند جرم آفرین بوده است .

یک مقایسه بین جرائم زمانهای مختلف یک کشور که از یکسو سیل پدیده‌های نو تمام شئون اجتماعی را در حوزه تصرف خود در آورده و از یکسو مبارزه‌ای جدی علیه بیسوادی صورت نگرفته و سطح آموزش پیشرفتی حاصل نکرده است ، روشن میکند که تا چه حد میزان جرم مخصوصاً جرائم سنگینی مانند آدمکشی و تجاوزات مختلف و ضرب و جرح

افزایش یافته است .

چهار جدول ذیل ، آمار درصد بیسوادان (۱۸) و جرائم ارتكایی (۱۹) و جمعیت کل (۲۰) چهار کشور ترکیه ، مصر-هند و تونس را در سالهای مختلف نشان میدهد . هرچند که آمار جرائم این جدولها بطور تحقیق کامل نیست ولی با وجود این با در نظر گرفتن افزایش جمعیت باز هم قابل توجه است .

لطفاً بقیه را در صفحه ۱۰ مطالعه فرمائید



بقیه از صفحه ۹

۱- تردیه :

سال	درصد بیسوادان - بالاتر از دهسال	زن	مرد	آدمکشی سوء قصد - های جنسی	دزدی	جمع کل جرایم	جمعیت کل
۱۹۵۵	٪۷۵	٪۴۲	۱۲۴۴	۱۳۵۱	۱۳۰۴۱	۳۲۲۰۸	۲۴/۱۰۰/۰۰۰
۱۹۵۶	—	—	۱۲۳۳	۲۲۰۷	۱۴۵۸۴	۳۷۷۸۶	۲۴/۱۰۰/۰۰۰
۱۹۵۹	—	—	۱۳۸۸	۱۲۳۷	۱۵۱۲۱	۳۹۸۳۴	—
۱۹۶۰	٪۷۵	٪۴۳	۱۲۸۲	۱۶۷۷	۱۵۰۶۷	۴۵۰۵۴	۲۸/۰۰۰/۰۰۰

۲- معبر:

سال	درصد بیسوادان بالاتر از دهسال	زن	مرد	آدمکشی سوء قصد - های جنسی	دزدی	جمع کل	جمعیت کل
۱۹۴۷	٪۸۸	٪۶۷	—	—	—	—	—
۱۹۵۱	—	—	۲۱۲۹	۲۴۴	۳۹۳	۶۷۵۳	۱۹/۱۰۰/۰۰۰
۱۹۵۲	—	—	۲۱۰۳	۲۹۶	۴۷۱	۶۳۵۸	۱۹/۵۲/۰۰۰
۱۹۵۵	—	—	۲۱۳۱	۲۹۵	۴۴۰	۵۶۸۳	۱۹/۵۲/۰۰۰
۱۹۵۶	—	—	۱۶۴۳	۱۷۹	۴۱۱	۵۵۶۲	—
۱۹۵۹	—	—	۲۸۴۴	۱۵۱	۳۹۵	۱۲۲۶۶	—
۱۹۶۰	٪۸۷	٪۶۴	۲۲۸۲	۱۵۵	۴۲۰	۶۱۲۶	۲۵/۷۰۰/۰۰۰

۳ - تونس:

سال	درصد بیسوادان بالاتر از دهسال		جسائر انیم			جمعیت کسکل
	زن	سرد	آدمکشی	سوء قصد - دزدی های جنسی	جمع کل جرائم	
۱۹۵۱	—	—	۱۱۱	۳۴۲	۱۰۰۵۷	۳,۵۵۴,۰۴۷
۱۹۵۲	—	—	۹۹۸	۲۷۱	۷۹۷۹	۳,۶۰۰,۰۰۰
۱۹۵۶	%۹۶	%۷۵	—	—	—	—
۱۹۵۹	—	—	۱۸۴	۱۰۵۴	۸۴۸۰	۴,۰۰۰,۰۰۰
۱۹۶۰	—	—	۱۰۱	۱۴۸۲	۸۹۷۱	—
۱۹۶۱	%۹۲	%۷۱	—	—	—	—

۴ - هند:

سال	درصد بیسوادان بالاتر از دهسال		جسائر انیم			جمعیت کسکل
	زن	سرد	آدمکشی	سوء قصد - دزدی های جنسی	جمع کل	
۱۹۵۱	%۹۱	%۷۰	—	—	—	—
۱۹۵۲	—	—	۱۰,۱۸۳	—	۴۲۹,۰۱۶	۲۵۶,۸۹۱,۰۰۰
۱۹۵۵	—	—	۹۷۰۰	—	۳۴۵,۲۶۱	۳۶۱,۰۰۰,۰۰۰
۱۹۵۶	—	—	۱۵۱,۰۵	۲۵۳۸	۳۸۴,۸۷۵	—
۱۹۵۹	—	—	۱۶,۰۵۲	۲۵۰۹	۳۶۱,۳۹۸	۳۶۱,۵۰۰,۰۰۰
۱۹۶۰	—	—	۱۶۲,۰۱	۲۴۸۱	۳۵۳,۶۲۶	۴۳۸,۰۰۰,۰۰۰
۱۹۶۱	%۸۵	%۵۶	—	—	—	—

بنصف تقلیل یافت (۲۱).
 کتله Quetelet نیز در اثر تحقیقاتی که
 در کشور پروس انجام داده بود تقریباً چنین
 نتیجه‌ای رسیده بود. بررسی‌های این جرم‌شناس
 در سال ۱۸۳۰ نشان میداد که بابالا رفتن
 رقم دانش آموزان و افزایش تحصیلات، رقم
 جرائم، ویژه جرائم علیه مالکیت رویکاهش
 می‌نهد. (۲۲)

بقیه در شماره آینده

برحسب مطالعه‌ای که ژولی Joly در
 ایالت ماندوزا Mendoza در آرژانتین در سال
 ۱۸۷۹ انجام داد باین نتیجه رسید که بابالا
 رفتن رقم مدرسه‌روها، رقم جرائم کاهش پیدا
 می‌کند.
 این دانشمند مینویسد که قبلاً از هر ۲۸
 نفر یک نفر بمدرسه میرفت ولی به محض آنکه
 استقبال از تحصیل رو با افزایش نهاد و این
 رقم آنچنان تغییر پیدا کرد که از هر ۸ نفر
 یک نفر بمدرسه راه پیدا کرد، تعداد جرائم

- 1 - Greeff, «Introduction a la criminologie». p 5 et 41.
- 2 - Dupcétiauw, «De la justice de prévoyance et Particulièrement de L'influence de la misère et de l'ignorance et de l'instruction sur le nombre des crimes» p 13 et S.
- 3 - Ibid. p 38.
- 4 - Larguier, «criminologie et science pénitentiaire». p 20
- 5 - Lombroso, «crime, causes et remèdes». p 128
- 6 - Dr de Greeff, ouv. cit. p 43
- 7 - Houyer, «Enquête sur la délinquance juvénile». pp 19-42
- 8 - Bouzat et pinatel, «Droit pénal et criminologie». p 293
- 9 - Ibid. p 294
- 10 - Ibid. p 294
- 11 - Sutharland, «principe de criminologie». p 219
- 12 - Ibid. p 219
- 13 - Ibid. p 220
- 14 - Ibid. p 220
- 15 - Bouzat et pinatel, ouv. cit. p 131
- 16 - Ibid. p 132
- 17 - Ibid. p 132
- 18 - Unesco, «Données statistiques sur l'analphabetisme» 1965
- 19 - Interpol
- 20 - Ibid.
- 21 - Joly, «La France criminelle». p 378
- 22 - Quetelet, « physique sociale». p 284. T II.